

تعلیم و تعلم بنص قاطع جمال مبارک
فرغ است. هر کس قصور نماید از موهبت
کبیری روم مانند

"حضرت عبد البهاء"

کتاب سوم درس اخلاق

مؤلف

. ایادی امرالله - علی اکبر فروتن

مؤسسه ملى مطبوعات اصمری

١٢٥ بدیع

مقدّمه نشر دوم

نظر باحتیاج مبروی که محصلین کلاس‌های دروس اخلاقیه
بکتاب و مرجع مطالعه داشتند لجنه ملی نشر آثار امری بنا
بتقاضای لجنه مجلّه ملی تربیت امری اقدام بتکثیر مجدد بعضی
از کتب سابق درس اخلاق و ازان‌جمله کتاب حاضر نموده
ازانجا که طی مدتی که بین تکثیر بار اول و تکثیر فعلی
فاصله بود و قایع امری مهمی در عالم بهائی حادث شده
و پیش‌رفته‌ای شایان توجهی در شئون متعدد و در مناطق
مختلفه عالم حاصل شده است لذا این لجنه لازم رانتست
توجه مطالعه کنندگان خاصه معلّمین محترم دروس اخلاقیه
را باین نکته دقیقه معطوف دارد که در مواردی از کتاب که
توضیحات بیشتری را ایجاب میکند توجه محصلین را بوضع
وموقدیت امر در زمان حاضر جلب کنند و تغییرات حاصله
در طی چند سال گذشته را باطلایع آنان بررسانند که موجب
نهایت تشکر و امتنان این لجنه خواهد بود

لجه ملی نشر آثار امری

مقدّمهٔ مؤلف

- ۱- کتاب سوم برای آموزگاران کلاس‌های سوم در را خلاق تاً لیف یافته و طریقهٔ محاورهٔ با شاگردان و تعلیم‌طلب د رسمیهٔ بآنان بطور نمونه در آن شرح و بیان گردیده است .
 - ۲- تعلیم مواد (دستور) در این سال نیز شفاهی است و آموزگاران محترم مسائل روحانیه و مطالب اخلاقیه امریه راشفاها باعباراتی موافق درک و فهم اطفال بشاگردان خوبیش خواهند آموخت .
 - ۳- چون اطفال خردسال بشنیدن قصص و حکایات و امثال و روایات بینهایت مایل و شائقند آموزگاران محترم رخدود و امکان مسائل مجرده روحانیه را باعانت مثُل و حکایت برای اطفال محتسب و مجسم فرمایند .
- اهمیت این موعود بدرجه ای است که انبیاء السُّهیں نیز غالباً حقائق روحانیه را در لباس مثُل و حکایت برای ابناء انسان بیان فرموده اند چنانکه در آنجیل جلیل مرقوم و معانی پسیار بیانها برای ایشان گفت

(۱) در قرآن کریم مطالب عالیه روحانیه در ضمن امثال و قصص و حکایات بیان گردیده و آیاتی نظیر "وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْمَثَلَ لِتَنَا سَلَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲) از شما مشیت الهیه نازل گردیده است مرسی اعظم و موعود کل ام جمال قد م جل ذکریه الکرم نیز حقائق روحانیه را غالباً ضمن امثال تبیین و تشریح فرموده اند چنانکه میفرماید قوله عزّ کبریاوه :

"ای جهلهای معروف بعلم چرا در ظاهر دعوی شبانی کنید و در بساط زئب اغمام من شده اید مثل شما مثل ستاره قبل از صبح است که در ظاهر دری و روشن است و در بساط سبب اضلال وهلاکت کاروانهای مدینه و دیارمن است (۳)
در لوح مبارک رئیس سلطنت و عزت و ریاست دنیوی بیاز شاه سلطان سليم تعشیل و تشییه گردیده است پس مثل و حکایت برای تفہیم و فهم نهایت اهمیت را حائز است و آموزگاران محترم درس اخلاق باید از این مونسون کاملاً استفاده فرمایند
— مطالبی که من باب نمونه در این کتاب ذکر شده روسی مسائل لا زمه است که آموزگاران باید در آن حدود باشانگردن خوبیں محاوره نمایند والبته تعلیم و تحفیظ عین عبارات کتاب منظور نبوده و نبیست.

(۱) انجیل متن باب ۱۳ آیه (۲) سوره ابزا : یعنی ۳

کلمات مکنون

۵- آموزگاران محترم بکمال ادب و احترام با شاگردان خود رفتار و همیشه در مخاطبه و محاوره بجای (تو) بآسان (شما) خطاب به نمایند تا گفتار و کرد ارآموزگاران سرهشق بارزی هستند شاگردان گردد.

۱- قبل از هر درسی آموزگاران درس اخلاق باید کاملاً خود را برای تعلیم مطالب درستیه حاضر نمایند و بد ون مطالعه دقيق مسائل لا زمینگران نروند .

۷- البته منظور اصلی آموزگاران درس اخلاق در رتبه
اولی تربیت است نه تعلیم و غایت قصوی پرورش اطفال بهای
طبق احکام و تعالیم مقدسه الهی است تاریخ صفر سن به
آزاد روحانیه متازب و اخلاق ملکوتیه متخلق وصفات
روحانیه متصف گردند لهذا از این آموزگاران محترم کلاسها
درس اخلاق باید این منظور جلیل را مدد نظر قرار داد هم برای
وصول بر آن نهایت سعی و مجاہدت مبذول نمایند.

۸- چون مطالب سائمه لازمه ضمن مقدمه کتابهاي سابق
ولا حق درس اخلاق مذکور گردیده دراین مقام از تکرار آن احتراز
میشود.

۹- ا زعمون دوستان عزیز رحمانی بخصوصی حضرات
معلمین محترم متنفسی است نظریات و تذکرات خویش را برای رفع
نواقص و نقائص این جزوه بلجنة معللة ملی تربیت امری اطلاع
د هند
علی الگر فروتن

روز اول

موضوع اساسی - آشنایی با اطفال و تکرار موارد روز دوم
وسوم و چهارم و پنجم هم سال قبل .

جريان درس

۱- مناجات شروع - یکی از اطفال با شاره آموزگار مناجات
نموده یک سال قبل را (هوالله - خداوند) این طفل صفیر

راد رأغوش محبّت پرورش فرما) تلاوت مینماید .

۲- آشنایی با اطفال - اگرآموزگار محترم سال قبل در
کلاس دوم مشغول تعلیم نبوده و شاگردان کنوئی خود را -

نمیشناسد طبق نمونه نخستین روز (کتاب دوم) با آنان
آشنا میشود و اگر از سنّه گذشته آشنایی حاصل بود بطرح
موضوع اساسی شروع و اگر اطفالی جدیدا " بکلاس سوم داخل
شده باشند با ایشان جد اگانه آشنایی حاصل میفرماید .

۳- ثبت اسمی شاگردان در فتر کلاس

۴- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل :

اطفال عزیز امسال سال سوم است که شما بدروس اخلاق
میآشید البته چیزهایی را که سال پیش یاد گرفته اید در خاطر را
مانده است امروز میخواهید آنچه را که شما سال گذشته طو روز
دوم و سوم و چهارم و پنجم هم یاد گرفته اید مختصرا " تکرا کنیم سپس آموزگار مصود
بهار روز مزبور را بطریق سؤال

وجواب بموجب اصول (دیالوك) (۱) که در رسالت (اصول تدریس دروس اخلاقیه) از صفحه ۲۲ الی ۲۳ مشرحاً مذکور با شاگردان در میان نهاده تکرا رمیناید .

۵ - تنفس

۶ - تکرار اشعار نعرة یک سال قبل (ای مردہ بیجان و دل) مجتمعاً

۷ - مناجات ختم - یکی از شاگردان با شاره آموزگار مناجات نعرة ۲ سال قبل (هوالله) - ای پاک یزدان این نونهالان جو پیاره دایت را) تلاوت مینماید .

۸ - سفارش آموزگار - اطفال عزیز هفتة آینده همه سر وقت در کلاس حاضر شوید تابقیه مطالب سال پیش را تکرار کنیم .

روز رو م

موضوع اساسی - تکرار موارد روز چهاردهم و هیجدهم رهیجد هم و بیست و یکم سال قبل .

جريان درس

۱ - مناجات شروع - یکی از اطفال مناجات نعرة ۳ سال قبل را (رَبَّنَا وَقَاتَنَا عَلَى مَعْرِفَةِ أَمْرِكَ الْقَطُّبِم) تلاوت مینماید

(۱) مکالمه بین دو نفر

- ۲- طرح موضوع اساسی بروفق نمونه روز قبل .
- ۳- تنفس
- ۴- تکرار اشعار نمره ۲ سنه گذشته (این حلق بهمای) مجتمعاً
- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶- معاينه نظافت آنان
- ۷- مناجات ختم - یکی از اطفال باشاره آموزگار مناجات نمره ۱ سال قبل راتلاوت مینماید .
- ۸- سفارش آموزگار

روزسوم

- موضوع اساسی - تکرار موا در روزبیست و دوم و بیست و سوم
- جريان درس
- ۱- مناجات شروع - یکی از اطفال باشاره آموزگار مناجات نمره ۲ سال گذشته راتلاوت مینماید .
 - ۲- طرح موضوع اساسی
 - ۳- تنفس
 - ۴- تکرار اشعار نمره ۱ سال قبل مجتمعاً
 - ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم - یکو از اطفال باشاره آموزگار

مناجات نمره ۳ سال گذشته را تلاوت مینماید.

۸ - سفارش آموزگار.

روزچهارم

موضوع اساسی - حضرت باب مدت ۷ سال بشارت بظهور ز
حضرت بهاء اللہ جل زکرہ الاعلیٰ رادہ اهل عالم رآمسارہ
ومستعد قبول تعالیٰ آنحضرت میفرمودند ۔

جريان درس

١- مناجات شروع

٢- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل

اما فال عزيز بالبته شما مکرر شنیده اید که بعضی از مردم

بمابهائو امیکویند (بابو) هیچ دراین خصوص فکر

کرده اید که بابو کیست و در صورتی که ما به آشی هستیم چرا

بما (باب میتویند) . ۴

این مطلب را سال پیش بخوبی ملتفت شده و در رخارطه سپرده اید

که چون پدران و مادران مایه حضرت بهاء اللہ ایمان آورده اند

آنها را (بهائی) میگویند بهائیت یعنی

پیرو حضرت بهاء اللہ کسانی کہ بحضرت بهاء اللہ ایمان
آورده و مطابق دستورات آنحضرت رفتار میکنند (بهائی)
ہستند حالاً میخواهیم بد انیم بابو کیست و چرا مرد م بما
بھائیان (بابی) ہم میگویند ۔

خداؤند از زمانهای پیش بواسطہ پیغمبران خود بمصر م
مزده و شارت فرموده که روزی خواهد آمد که بزرگترین مظہر
اللہی در عالم ظاہر شود و ازیرکت آن ظہور مردم از جنگ
و جدال دست بردارند و با یکدیگر بنها یت محبت و دوستی
رفتار کنند و شمنی نهاند قلبها بیکدیگر نزدیک شود همه مردم
روی زمین دوست و برادر شونند همچنان که وقتی شب خیلی
تاریک شود همه میفهمند که بزودی آفتاب خواهد ریا
همچنین هر وقت که تاریکی دشمنی و بد بختی عالم را فراگرفت
مردم مثل حیوانات خدارا فراموش کرد و بجان یکدیگر افتادند
آن افتتاب نورانی طلوع خواهد کرد ۔

هر چند همه پیغمبران مردم را بچنین روز بزرگی بشارت
داده اند ولی حضرت (باب) از همه واضح تر و روشن تر و
آشکار تر این مذکور را با هل عالم داره و آنها را حاضر و منتظر
آن ظہور بزرگ اللہی فرموده اند همچنان که طلوع صبح مذکور
بیرون آمدن آفتاب است ظہور حضرت باب ہم مذکور ناہر
حضرت بهاء اللہ میباشد حضرت باب کہ با یشان حضرت اعلیٰ

وحضرت نقطه اولی نیز میگوئیم مدّت هفت سال شب و روز مردم را زخواب غفلت بیدار و آنها را برای شناسائی حضرت بهاء اللہ حاضر و آماده میفرمودند اشخاصی که بحضرت بابا یمان آزرده اند را نحضرت را شناختند معروف شدند به (بابی) یعنی پیروان حضرت (باب) و هرجند بعد از ظهر و حضور تمیم اللہ تقریباً همه بابیها مگر جمیعت کمی از ایشان به حضرت بهاء اللہ ایمان آورده و بهائی شدند ولی مردم هزار سالی هنوز هم به بهائیها (بابی) میگویند.

پس بابی یعنی کسیکه بحضرت باب ایمان آورده و ایشان را شناخته است مقصود حضرت باب حاضر ساختن مردم برای شناسائی حضرت بهاء اللہ بوده و مدت هفت سال در این راه تحمل زحمت و مشقت فرموده و بعد از ایشان بیشتر بابیان بحضورت بهاء اللہ ایمان آورده و بهائی شدند ولی چون حضرت باب پیش از ظهر حضرت بهاء اللہ ظاهر شد بودند بسیاری از مردم هنوزهم به بهائیان (بابی) میگویند تبعسره — تعریف اینگونه مسائل روحانیه و حقائق معنویتی بفهم و فکر اتفاق خرد سال خالی از صعوبت و شکال نیست آموزگاران محترم باید بارعايت درجه استعداد و لیاقت و مقدار هوش و ذکارت شاگردان خود بکل تشویل و تشبیه بطريقی که نمونه آن در فوق مسطور موضوع را روشن و فهم آنرا برای

آنان آسان فرمایند .

۳- تنفس

۴- استحضار از حضور غیاب شاگردان

۵- معاينه نظافت آنان

۶- بیان مفاد و ماحصل درس

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روزینجـم

موضوع اساسی :

۱- پدران ما پیش از ظهر حضرت بهاء اللہ هر یک بدینس
و مذہبی منسوب و با همد یگر متشد و متفق نبودند ولی
حالا در ظل دیانت بهائی باهم برادر و برادر شده اند .

۲- حضرت بهاء اللہ میفرماید : " ای رانایان ام از
بیگانگی چشم بردارید و بیگانگی ناظریاشید . "

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل :

اطفال عزیز شما از همان روزاول که باین دنیا اقدم
گذاشته اید بهائیو زاده بوره اید یعنی پدر و مادر تسان بهائی
بوده اند چنین نیست؟ آیا پدر و مادر شما هم بهائی زاده
بودند یا بعد خود شان بهائی شده اند لکن خبر نداریم
ممکن است از خود شان سئو ال کنید و هفتة آینده جواب
بدهدید صحیح است بعضی بهائی زاده بوده اند و بعضی
بعد خود شان بهائی شده اند آیا پدرهای شما پیش از آنکه
بهائی بشوند مثل حالا که بهائی شده اند همدیگر را درست
میداشته اند مثل حالا بهمدیگر مهریان بوده اند؟ درست
است پیش از آینکه پدرهای شما بهائی بشوند اینظور همدیگر
را درست نمیداشته اند اینظور بهمدیگر نزد یک نبوده اند
اینظور با همدیگر مهریان نبوده اند آما حالا که بهائی
شده اند بی اندازه باید یکی گرمه را باند و همدیگر را لذت دل
درست نمیدارند چرا؟ چونکه حالا همه بهائی شده اند
فهمیده اند که بهائی باید همه را درست بدارد و همه را
با خود برادر و برابر اند حضرت بهاء اللہ همه مردم را -
نصیحت فرموده اند که (ای رانایان ام از بیگانگی چشم
بردارید و بیگانگی ناظر باشید) منظور مبارک اینست که
ای مردم همه با هم یکی هستید و چشم بیگانگی بهمدیگر

نگاه نکنید با همد پیگرد وست و مهریان باشید هر سه ائمی باشد بداند
که حضرت پیر ^{الله} نبوده اند (ای دانایان ام از بیگانگی
چشم برد ارید و بیگانگی ناظر باشید) این فرمایش مبارک را
اطفال عزیز در خاطر بسپارید .

(اطفال این بیان مبارک را بر اثر تکرار از بزمینهایند .)
انسان که جای خوددارد اگر درست رفت کنید می بینید —
حیوانها هم (بهتر از حیوانات وحشی در نده) بقدرتی با هم
مهریانند که جان خود را در راه دوستو همدیگر فدا میکنند .

حضرت عبد البهاء میفرمایند که روزی در کنار جوی آبی
گرسن میکرد م دیدم طخهای زیادی که هنوز خیلی کوچک
بودند برای پیدا کردن خوراک و دانه میخواستند با انتظار چو
بروند ولی چون خیلی کوچک بودند ویرند اشتند نمیتوانستند
همه حیران و سرگردان در کنار جوی با این طرف و آن طرف میدویدند
در این وقت یکدسته از طخهای خود شان را بآب اند اختنند
پهلوی همدیگر صفات کشیدند و با این ترتیب پلی ترتیب دارند
و ملخهای دیگر از روی آنها عبور کرده به آن طرف جوی رفتهند
و ملخهایی که خود شان را در آب اند اخته بودند هلاک شدند
این طور ملخهای دو راه دوستو همدیگر جان خود را فردا
نمودند . (اقتباس از یکی از خطابات حضرت عبد البهاء)

ههچنین سایر حیوانات نیز با هم یگر مهریانند و بهم یگر
کهک میکنند .

حالا من برای شما ترتیب زندگانو زنبور عسل را شرح
مید هم تابه بینید که آنها چقدر با هم یگر مهریانند و چه
خوبی با هم یگر زندگی میکنند و چطور بهم یگر خدمت میکنند
زنبور عسل در کوهها و پرشاخه درختها و سوراخ دیوارهای
واگر اهلی باشد در گندوها برای خود خانه درست میکند و
همه در یک جا زندگی مینمایند . بیشتر وقتها عده زنبورهای
یک خانه از سوی هزار بیشتر است و همه آنها مطیع مادرشان
هستند .

بن زنبور هاشیره گلها و علفها راجمع میکنند و در خانه شان
غرفه های کوچک شش گوشه میسازند مادرشان که رئیس آنهاست
دروهر غرفه ای تخمو میگذارد — بعد از چند روز تخمها شکسته
وازیان شان کرمو سقید رنگ و سیاه سرویس پابیرون میآید و فوراً
میل بخوارک میکند زنبورهای کارگرکه وظیفه شان کارکردن و خدمت
کردن و حاضر کردن غذا برای آنهاست بد رود بیوار خانه کرمها
عسل میباشند و آنها عسل را لیسیده و میخورند
بعد از ۸ روز قدری بزرگ میشوند و از لعاب دهان خود
بد و رخمود مثل عنکبوت تاریق تنند و خودشان را در میان
کهنه ای از تار خود پنهان میکنند زنبورهای کارگر سقف

غرفه های آنها را معم اند و د میکنند و باین طریق کرم
ده روز تمام در آن خانه های سریسته بسر میرند تا همه اعضا
وارگانشان از قبیل پسر و موهای شکشان وغیره تکمیل شود
همین که این ده روز گذشت کرمها که دیگر زنبور کوچکی شده اند
سقف غرفه های شش گوشه خودشان را خراب کرده بیرون
می آینند در این وقت مادر ببرادرها و خواهرها بزرگ تر آنم
بزمیان خودشان می فهمانند که بجهه های ماجوان و می تجربی
هستند و نمیتوانند برای خودشان خانه بسازند و ب است
که خانه ساخته و حاضر را بآنها بدهد یه خود مان کوچ کرده
در رای دیگر برای خود مان خانه بسازیم زنبورها بزرگ
اطاعت کرده بیرون می آینند و خانه حاضر را بکوچک ها میدهند
مورچه ها کمتر از زنبور عسل نیستند و آنها هم بیو اند ازه به
همدیگر مهربانند مادر شان را خیلی احترام میکنند و از فرمان
او بیرون نمیبرند یکی از علمانقل میکند که روزی در صحراء
میگشتم دیدم چند مورچه پرپروانه ای را میخواهند داخل
لانه شان بگنند یکی میکشید دیگری از عقب تکان میداد سایرین هم
هر کدام بقدر قوه خودشان گمک میکردند ولو چون
سوراخ لانه خیلی کوچک بود پرداخ نمیشد عاقبت یکی از
مورچه ها رفت دیگران را خبر کرد چندی نگذشت همه مورچه ها
بیرون آمدند و فورا "بنای گشاد کردن سوراخ لانه را گذاشتند

طولی نکشید پرپروانه را بلانه شان داخل کردند.

تبصره۔ نقل اینگونه مسائل از زیارات حیوانات که تمام ۱
منی بر تحقیقات علمیه و مشاهدات دقیقه است برای تعمیم
وجود تعاون و تباضد کامل بین آنان بتوان اندازه در اخلاق
وروحیات اطفال خود سال موئی است امو زگاران درس اخلاق
را با استفاده از اینگونه مسائل توصیه مینماییم پس اگر حیوانات
اینطور با همدیگر مهربانند انسان نسبت بانسان چقدر باید
دست و مهریان باشد این است که حضرت بهاء اللہ میرزا یا نند
(ای دانايان ام از بیگانگی چشم برد ارید و بیگانگی ناظم
باشید) پدرهای مادرسایه اینگونه فرمایشات مبارک تبرک
دشمنی وعد اوت کرده با همدیگر دست و مهریان گردیدند .

۵— نقل حکایت ذیل :

محبت بنی اسرائیل

دونفر با هم سفر میکردند و شب در دهی منزل نمودند
یکه فقه صدای راد و فریار بلند شد و معلوم گردید که در دهخانه ای
اتش گرفته است یکو از رفیقها فوراً "از ختخواب برخاسته
مشغول لباس پوشیدن شد که بکمک بروند دیگری هرسید کجا
میروی بگی سر راحت بخواب ما چکار بکار دیگران را رب
غیر از ما در این ده آدم زیار است رفیقش بگفته های او
اعتنای نکرده در جواب آگفت اگر این کار ای تو اتفاقاً افتاده

بود نمیخواستی که ما بین بکٹ بیاند وقتی از اطاق بیرون
آمدی بید هیا هو بلند است و خانه ای آتش گرفته و در زرد پکی
آن خانه زنی ایستاده فریاد میزند و ای بچه های من سوختند
و ای بچه های من آتش گرفتند دل شخص صافر
که بکٹ آمد بود بی اندازه بحال این زن سوخت
و فوراً خودش را به آتش که شعله اش با سلطان بلند شده بود
انداخته داخل خانه گردید هر دم که در آن خانه جمع
شد ه بتماشا شفول بودند با وحشت فریاد زدند و ای بیچاره
تلف شد آخ پنهخت آتش گرفت و بعد از دقيقه ای دیدند
که او از خانه بیرون آمد در حالیکه موها پس سوخته
ولباسش در بد نظر شعله میزد و دنفری چه کوچک را در آر آتش
نگهداشته است همه از خوشحالی فریاد زدند نسوخته
نموده زود لباسش را خاموش کنید مادر زرد یک بود از شادی
بزمین افتاده غش کند بچه هاین را با او گرفت میوسید
ومیتوشید و شکر خدار ابجا میآورد و از آن شخص صافر
اظهار تشکر مینمود بعد از چند دقیقه خانه خراب و
سقشق پائین آمد.

تبصره - پس از قرائت حکایت مذبور آموزگار محترم در
این خصوص با اطفال محاوره مینماید که کدامیک از این دو نفر
بوظیفه انسانیت خودشان عمل نموده اند.

۶- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۷- معاينه نهافت آنان

۸- بيان ماحصل درس

۹- مناجات

۱۰- سفارش آموزگار

روزشش—

موضوع اساسی :

۱- نشستن روی صندلی

۲- رجوع باطّباء حاذی

جریان درس

۱- مناجات

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل

اطفال عزیز، شما همه میدانید که ما ایرانیها پیش از ظهر حضرت بهاء الله روی صندلی و کرسی نعم نشستیم و پیشتر ما همه روی زمین می نشستیم وقتی حضرت بهاء الله ظاهر شدند و کتاب مبارک (قدس) نازل شد دستور فرمودند که اگر مردم بپرتوی کرسیها و تخت ها بنشینند بهتر

است و بیان تو باین مضمون فرمودند که خداوند نشستن شما را برکرسیها و تخته ابیشتند و سرت میدارد بعد از این بیان مبارک نه تنهای به ائمایان بلکه مائرا پیرانیها هم کم کم روی زمین نشستن را ترک گفته و صندلی و کرسو و تخت وغیره رفته رفته رواج پیدا کرد .

اجرای این حکم مبارک خیلی سهل و آسان است و هر کس خواه فقیر و خواه غنی میتواند آنرا اعطی نماید تمییه میزبانه و چند صندلی از عهد داده کن ساخته است و شما اطفال عزیز بعد از آنکه این بیان مبارک را شنیدید پس از استید که میل و رضای خداوند عالمیان دراین است که بهائیان روی تختها را کرسیها بنشینند و یگر شماروی زمین ننشینند واژاین دستور مبارک تجاوز نکنید همچنان حضرت بهاء اللہ دستور فرموده اند که وقت انسان مریض شد باید بطیب حاذق رجوع کند .

پیش از ظهر حضرت بهاء اللہ بیشتر ایرانیم چندان اعتقادی بدکشید و واند اشتند و بجا ای دوا دعا میگرفتند وسیاری از ناخوشها تلف میشدند و شفاف نمیگفتند و آنها ای هم که دوا میخوردند بیشتر بدست ور پیروزها و اشخاص ناشناس و بیسوار بود اینست که حضرت بهاء اللہ امر فرمودند که هر وقت مریض شد ید بدکترهای خوب و با اطلاع رجوع کنید و از

آنها دستور بگیرند

البته شما میدانید که هر کس از کاری مطلع است .

مثلاً ساعت ساز برای تعمیر ساعت است و گفتش دروزگش
میدوزد برای معالجه مریض هم کسانی هستند که ماآن اشخاص
را طبیب و دکتر میگوئیم .

وقتی که انسان مریض شد باید بطیبو آنهم طبیب حاذق
رجوع کند نه بکسو دیگر اینست که حضرت بهاء الله میفرمایند
وقتی مریض شد باید بطیب های حاذق رجوع کنید در زمان
ما برای هر مرضی دکتر مخصوص موجود است مثل دکتر
چشم، دکتر دندان یعنی هر مرضی دکتر مخصوصی دارد
که بخوبی از آن مرض با اطلاع است و در معالجه آن مهارت
دارد پس وقتی انسان مریض باشد باید دکتر خوب عالمی
پیدا کند و برای معالجه نزد او برود .

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنسان

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات

۹- سفارش آموزگار

روزهفت سی سی سی سی سی

موضوع اساسی - منع از ناسازگوئی واستعمال کلمات زشت .

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- طرح موضوع اساسی مطابق نعونه ذیل :

اطفال عزیزیکی دیگر از احکام حضرت بهاء اللہ منع از ناسازگوئی واستعمال کلمات زشت و ناپسندیده است شخص بهائی باید زیان خود را هرگز گفتار زشت نیالا باید کلمات ناپسندیده ار انکنند زیرا گفتار زشت علاوه بر آنکه قلب اشخاص را میرنجاند شخص گوینده را نیز غرق گشته میکنند واورا بغضب خداوندی گرفتار میسازد .

شخص بهائی نه تنها باید از استعمال کلمات زشت دوری و پرهیز نماید بلکه باید از گفتار رشت که از آراب و انسانیت خارج است نیز بکلی اجتناب کند .

حضرت بهاء اللہ میفرمايند :

لسان از برای ذکر خیر است اور ابگفتار زشت می‌الائمه
و همچنین میفرمایند :
* گفتار درشت بجای شمشیر دیده میشود و نرم آن بجای
شیر *

حروف زشت و درشت مثل کارد و شمشیر قلب انسان را مجرح
میکند روح را افسرد و پیژمرده مینماید و بالعکس کلام نرم
وشیوه‌یین و محبت‌آمیز با انسان روح تازه میبخشد قلب را شاد
و سرور میکند و مثل بارانی است که برگزار ببارد و سبب طراوت
و خرّمی گل و گیاه شود . خداوند انسان را نوعی آفرینش ده
که قلبش از گفتار خوش و ملایم گشایش می‌یابد و از کلام
زشت و درشت محزون و غمگین میشود همان‌طوری که میفرمایند
عیناً " مثل شیر و شمشیر است . پس ما دامیکه انسان میتوانند
قلب اشخاص را صرور و شاد مان نماید چرا سبب حسنه
واند و نفوس بشود ما اطفال عزیزی باید میشه سعی و کوشش
کنیم که قلب اشخاص را نرجاشیم . از گفتار درشت وكلمات
زشت دری نماییم تا درد نیاعزیز و در آخرت رستگار گردیم
حضرت بهاء اللہ از مراضی و خشنود یاشنند .

۵- استحه اراز حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينة نظافت آنان

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات

۹- سفارش آموزگار

روزه ششم

موضوع اساسی :

۱- دا خل نشدن بخانه کسو در غیاب صاحبیش مگر
پس از تحصیل اجازه

۲- حضرت بهاء اللہ میر مايند :

د وست بیرونی د وست خود در بیت او وارد نشود و در اموا
او تصرف ننماید.

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تئفیل

۴- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل :

بکی دیگر از احکام حضرت بهاء اللہ این است که بخانه
کسو بدون اذن صاحبیش تباید را خل شد حضرت بهاء اللہ
در کتاب مستطاب اقد سیانو باین میفرمايند :

چنان دا خل شوید بخانه کسو در غیاب صاحبیش مگر

بعد از تحصیل اجازه در کلمات مکونه میفرمایند :
دروست بی رضای درست خود در بیت او وارد نشود و در
اموال او تصرف ننماید . " این مطلب بسیار مهم و توجه بآن
خیلی لازم است اگر شما همسایه ای داشته باشید که بدون اذن و
اجازه در غیاب شما بخانه تان وارد شود و خدمتی نخواسته
در مال شما تصریف کند و در امور خانه تان مداخله
نماید چه حالتی بشما درست خواهد رار ؟ همین نظر شما هم
اگر بدون رضای درست و همسایه خود تان بخانه او وارد
شوید و در مال او تصرف و مداخله نمائید سبب دلتنگی و کدروت
ورنجش او خواهد بود اطفال عزیز ما همیشه باید درست سروات
مبارکه حضرت بهاء اللہ را بکارسته طبق آن عمل نمائیم
تاردنیا و آخرت رستگاریا شیم زیرا حضرت بهاء اللہ
جز خیر و صلاح ماران خواسته اند و مانند پدر مهریان مارا از
بدیها و بیمودن راه کج بر حذر داشته اند و چشم عقل
مارا بنورا حکما و تعلیمات مقدسه روشن ساخته اند تاراه را از
چاه باز نشناشیم و گرفتار بیچارگی و بد بخت نشویم در این سوره
نیز باید نصیحت مبارک حضرت بهاء اللہ را همواره در گوش گیریم
که میفرمایند : درست بی رضای درست خود در بیت او وارد
نشود و در اموال او تصرف ننماید "

وقتی میخواهیم بخانه ای وارد شیم که صاحب خانه

در مژل است نباید سرزده و بد ون کسب اجازه را خل گردید
بلکه باید اول آهسته در رازده تحصیل اجازه نمائیم و مراگر
ازن دخول بماراده شد وارد شویم حتّی اگر در داخل بیاطی
با طاق همسایه بخواهیم داخل شویم — دون اطلاع و گرفتن
اجازه نباید وارد گردید یکی از عارتهای خوب و سند پدید که
ور در رضای خدا است داخل نشدن به خانه مردم است قبل
از گرفتن ازن واجا زه اطفال عزیزان دستور راشماهیش
عایت کنید و در نظر داشته باشید .

استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶— معاينه نظافت

۷— بیان ماحصل درس

۸— مناجات ختم

۹— سفارش آموزگار

روزنامه —

—————

موضوع اساسی — تکرار موارد روز جهارم — پنجم + ششم
هفتم و هشتم :

جریان درس

اول مناجات شروع

- تکرار موارد روز ۴ - ۵ - ۶ بنحو سؤال وجواب و اصول دیالوگ
- ۳ - تنفس
- ۴ - تکرار موارد روز ۷ و ۸
- ۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶ - معاینه نظافت
- ۷ - سفارش آموزگار

روز ۵

محمد

موضوع اساسی - تعلیم این مناجات مبارک

حوالله

خد اوندا مهریان اکود کانیم بینوا و طفلانیم در نهایت فقر و فنا
 ولی سبزه جویبار توایم و نهالهای پرشکوفه بهار تو از رشحات
 سهاب رحمت طراوتی بخشو از حرارت آفتاب موهبت نشونما -
 احسان فرما از نسیم خدائی حقائق لطافتی عنایت کن و در بیستا
 معارف درختان پربرگ و بار فرماد رافق سعادت ابدی نجسوم
 ساطع آنانوارکن و در آنجمن عالم انسانی چراغ های نورانی فرما .
 پرورد گارا اکرسنوازی هر یک شهبا زار عرفان گرد پهوا گریگ زاری گذاریم
 و پسر روزیان گرفتار شویم هر چه هستیم از توایم و بد رگاهت پناه آریم
 توشی دهنده و بخشندۀ و توانا ع ع

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- تعلیم مناجات مطابق نمونه نیل :

اطفال عزيز سال قبل بشما گفته شد که شخص بهائی بايد
بمحبوبیانا تعبار که حضرت بهاء اللہ بر سر خواه از خواب -
بيداشود و رو بخداوند مهریان آرد واذر رگاه الهی طلب مرحمت
و عنایت کند شخص بهائی بايد سحر چیزی را نهاد و صبح زود قبل
از طلوع آفتاب از خواب بيداشود و پس از شستن دست و صورت بذکر
خرد امشغول گردد مخواندن دعا و رضاجات و تلاوت الواح
و آيات در صبح و شام وظیفه هر فرد بهائی است شماره کلاس
در درس اخلاق سه مناجات آموخته ايد والبته الان هم
از حفظ داريد و مرتبها هر روز صبح و شب ام در منزل تلاوت
مينمايند در اين سال هم سه مناجات دیگر که در تواریخ
آن فارسي و يكى عربي خواهد بود يار خواهند گرفت البته
در روز صبح و شام تلاوت خواهيد نمود ذكر خدا در سحرها
خيلي لذت روحانیت دارد و حضرت بهاء اللہ به
سفارش فرموده اند که بايد در سحرها بيداشيم و بذکر
پهوره گار شغقول گرد يم حال درست وقت كنيد که مناجات

تساره راخوب یار بگیرید .

پس از توضیحات مزبوره آموزگار مطابق نمونه^۱ سال قبل
بتعلیم مناجات باطفال میبرد ازد .

۳- تنفس

۴- تکرار مناجات

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز یازدهم

موضوع اساسی - نهی از جدال و نزاع .

حضرت بهاء اللہ میفرماید نزاع و جدال شائ درندگان ارض
بوده و هست و اعمالی سندیده شائ انسان .

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل

یکی از تعالیمات حضرت بهاء اللہ این است که انسان
باید رارای اعمال خوب ویسنده باشد و هرگز با سواع
خودش یعنی انسانهای مثل خودش جنگ و نزاع نکند و شمشنی
نماید و همیشه مهریانی و خوشروئی رفتار کند چونکه جنگ و جدال
ونزاع و کد ورتدان حیوانات در زندگ است نه شان انسان
حیوانات وحشی در زندگ با همدیگر نزاع و جدال مینمایند و نه بتوانند
باشند و محبت رفتار کنند اما انسان که خداوند اور امتا زار حیوان
خلق فرموده باید با جمیع محبت و مهریانی رفتار کند حضرت
بهاء اللہ میفرمایند :

”نزاع و جدال شان در زندگان ارض بوده و هست و اعمال
پسندیده شان انسان ”منظور صارک این است که جنگ
و شمشنی شان حیوانات در زندگ است شان انسان محبت است،
دوسنی است کمک و مهریانی بهم دیگر است اگرچنانچه انسان
هم در زندگ باشد و نوع خود را بد رد و هم جنس خود را آزار و
اذیت نماید و محبت با مردم رفتار نکند حیوان
وحشی در زندگ است بلکه از حیوان هم پست تراست ما اگر
بدقت ملاحظه کنیم خواهیم دید که بغیر از حیوانات
وحشی در زندگ همه موجودات بهم دیگر کمک مینمایند
و در فکر راحت یکدیگرند

٣ - نفس

٤ - تکرار مناجات روزه دم

٥ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

٦ - معاينة نظافت

٧ - بیان ماحصل درس

٨ - مناجات ختم

٩ - سفارش آموزگار

روزه دم

~~~~~

موضوع اساسی - لزوم رعایت نظافت در جمیع احوال

حضرت بهاء الله میفرمایند :

"کُنُوا عَنْصِرَ الْطَّاهِفَةِ بَيْنَ الْبَرَّةِ" حضرت عبد البهاء میفرمایند

نظافت ظاهره هر چند امری است جسمانی ولکن تاثیرش دید

در روحانیات دارد .

جهان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل :

اطفال عزیز سال گذشته که شعادر کلاس دوم درسا خلاق بود ید  
راجع بموضع پاکیزگی و نظافت مفصل باشما صحبت شده و خصوصاً  
تأکید گردید که شخص بهائی باید جوهر لطافت باشد و نمونه  
پاکیزگی و نظافت بقسمی که درین ولباسش آثارچرک  
و آلا پیش موجود نباشد و از هرجهت تمیز ویاک و پاکیزه باشد  
زیرا حضرت بهاءالله سفارش فرموده اند که بهائی باید جوهر  
پاکیزگی باشد چنانکه میفرمایند **كُونْسُواعْنُصَارَاللّٰطَافَةِ بَيْنَ الْبَرِّيَّةِ**  
سال قبل بعضی از احکام کتاب مستطاب اقدس که راجع  
برعایت پاکیزگی و تمیزی نازل شد برای شما بیان شده  
و شما آن را در رخاطر سپرده و عمل نموده اید حالا من با اختصار  
آن راتکرار میکنم که خوب در رخاطرتان بماند .

۱- چیدن ناخن ها

۲- شستشوی بد ن هر هفته یک مرتبه

۳- نخوردن غذا بادست

۴- استعمال آب دست نخورد و بکر

۵- شستن پاهای در تابستان هر روز، در زمستان هر سه روز یک مرتبه .

۶- تمیز نگه داشتن رخت ولباس

۷- خلاصه دعا یت نظافت در جمیع شئون و احوال

حضرت عبد البهاء در یکی از لواح میفرمایند . ”چون در  
 محل پاک و طیب و ظاهر را خل شوی یک نفخه روحانیتی  
 استشمام نمائی . ” در این صورت شخص بهائی باید در نهایت

نظافت ویاکیزگی باشد یعنو هم بدن و هم لباس و هم اسباب  
 خانه خلاصه همه چیز اوتیمیز و نظیف باشد عطر و گلاب  
 استعمال کند تا همیشه بوی خوش ازا و استشمام شود و همیشه  
 آثار لطافت ویاکیزگی ازا و ازهار باشد هر قدر شما اطفال عزیز  
 در آن خصوص بیشتر دقت کنید خداوند بیشتر از شما راضی  
 و خشنود خواهد بود .

### ۳- تنفس

۴- تکرار درس قبل

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات ختم

۹- سفارش آموزگار

### روز سیزدهم

محمد محمد محمد محمد محمد

موضوع اساسی - "تعلیم قسمtri از مناجات مبارک حضرت عبد البهاء  
 " هوالله .

|                          |                           |
|--------------------------|---------------------------|
| ای خدای پر عطای ذوالمن   | واقف جان و دل و اسرار من  |
| در سحرها مونس جانم توئیس | مطلع بر سوز و حرمانم توئی |

ج زغم تومی نجوید محرومی  
کوریه چشمی که گریان تو  
پار تود ردل چو مصباح منیر  
تاعدم گرد زلطف توقدم  
بنگراند رفضل خوار ای ذو  
از کرم بال و سری احسان

هر دلی پیوست باز کرت دمی  
خون شود آن دل که بریان تونیست  
در شبان تیره و تارای قدیم  
از عنايات بد ل روحی بدم  
در لیاقت منگور قدر ها  
این طبیور بال ویر اشکشه را

### جريان درس

- ۱- مناجات شروع
- ۲- تکرار درس قبل
- ۳- تنفس
- ۴- تعلیم قسمتی از مناجات مبارک
- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶- معاینه نظافت
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

### روز جهاره هم

موضوع اساسی - تعلیم بقیه مناجات مبارک  
جريان درس

- ۱- مناجات شروع
- ۲- تکرار درس قبل
- ۳- تنفس
- ۴- تعلیم بقیه مناجات مبارک
- ۵- استحضار از حضور وغیره ابهاگردن
- ۶- معاینه نظافت
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

روزیان زد هم

سسه سمه سمه سمه سمه

- موضوع اساسی تکرار تمام مناجات مبارک  
جريان درس
- ۱- مناجات شروع
  - ۲- تکرار تمام مناجات مبارک
  - ۳- تنفس

- ۴- تکرار مناجات مبارک
- ۵- استحضار از حضور رفیع شاگردان
- ۶- معاینه نظافت
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

روزشانزد هم

موضوع اساسی - خداوند درجه جا حاضر است .  
حضرت پیر اهل اللہ میرزا میرید " گمان میرید که اسرار قلوب  
مستور است بلکہ بخط جلی مسطور گشته و در پیشگاه حسسور  
مشتمل ور "

جریان درس

## ١- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل  
اطفال عزیز خداوند که ما وهمه موجود است آفریده همه  
جاحاضر و از همه چیز با خبر و مطلع است همه چیز را من بیند همه  
چیز را میشنو از فکر همه کس آگاه است اگر ما در خلوت کاری انجام دهیم  
و فکری بخاطر ماباید خداوند از آن کار و فکر آگاه و مطلع است  
هیچ چیز از خدا پنهان و بیوشیده نیست اگر ما چنین تصور کنیم  
که در محل خلوت و در از نظر مردم کاری انجام میدهیم و هیچ کس  
مارانخواهد دید اشتباه است ممکن است از مردم کار مانع شان  
نمایند ولی خداوند بینا وشنوا است حضرت بهاء اللہ میفرماید .  
گمان مبرید که اسرار قلوب مستور است بلکه بخط جلی مستور  
گشته .

ضمون بیان مبارکه این است که شما خیال نکنید آنچه

در قلب خود تان پنهان کرده اید از خداوند پوشیده و نهان  
 است بلکه بخط روش نوشته شده و نزد او ظاهر و آشکار  
 پس ماباید بد این هر فکری که بخاطر ما می‌آید و هر حرفی که  
 میزند و هر عملی که ازما سرمیزند نزد خداوند واضح و آشکار  
 است وازا و نهان و پوشیده نیست هر کاری که میکنیم و در هر  
 جا که باشیم باید بد اینم خداوند بنا ناظراست و مارامی بیند  
 واژمه چیزما با خبر است پس ما هرگز تنها نیستیم و همیشه  
 خداوند با ماست و در همه جا حاضراست.  
 تبصره — هر قدر آموزگاران محترم‌بیشتر و بهتر بتوانند بازگراینگونه  
 طالب خشیة الله را بروجور اطفال مستولیس نمایند  
 و این نکته دقيقه را کاملاً مرکوز زهـن آنان نمایند  
 همان قدر بهتر توانسته اند اساس تربیت روحانی شاگردان  
 خویش را مستحکم واستوار سازند زیرا اساس دیانت خشیة الله  
 است و اعتقاد باینکه خداوند جلّ و عزّ همه جا حاضر و ناظراست

۳— تنفس

۴— تکرار مناجات مبارک "ای خدای پر عطای ذوالمن" ۹

۵— استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶— معاینه نظافت

۷— بیان ماحصل درس

۸— مناجات ختم

۹— سفارش آموزگار

روزهای قدیم

## موضع اساسی - تکرار درس قبل جیران درس

١- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

٣ - تنفس

۴- تکرار مناجات مبارک " ای خدا! پر عطا! ای ذوالعن

#### ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

## ٦- معاينة نظافت

۲ - مناجات ختم

## ۸- سفارش آموزگار

### روزه‌ی جد هم

موضوع اساسی - اطاعت والدین

جريان درس

#### ۱- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل:

اطفال عزیز سال قبل در کلاس دوم درس اخلاق راجع  
با طاعت ازیدر و مادر رومقاً آنها مفصل باشما صحبت شده  
مخصوصاً بশعبات تعلیم شده که حضرت بهاء اللہ بعد از شناختن  
خدا اطاعت پدر و مادر را لازم دانسته و در یکی از السواع  
میفرمایند . " إِنَّا كَتَبْنَا لِكُلِّ أَبْنَى خَدْمَةً أَبَيْهِ " بموجب  
این بیان مبارک هر فرزندی باید پدر و مادر رخود خدمت کند  
و آنها رارعایت و احترام نمایند همه پیغمبران خدا بصرد م  
این نصیحت را فرمودند که باید پدر و مادر را در وست  
راشت و احترام نمود و آنها رارعایت و خدمت کرد .

ملحوظه نمائید اطفال عزیز وقتی با غبان درختی را در  
باغ مینشانند منظورش چیدن میوه ار آن است اگر درخت بعد از  
آنها زحمت و مشقت که با غبان تحمل مینماید شمرند هد بالکه  
اورا بیازارد چقدر برای با غبان سخت و ناگوار خواهد بود  
همینطور وقتی پدر و مادر رطفلى را میپورانند و برای تربیت و رشد

او تحمل زحمت و محنت میکنند انتظار و توقع شان آن است  
که وقتی طفشن رشد و نمود کرد با آنها همراه بود و آنها از وجود  
آن طفل فایده برگیرند به بینید مادرهای شماچه شبم اکنه  
تاصبح بخواب نرفته اند چقدر برای شما زحمت کشیده اند  
چقدر غم و غصه خورده اند چگونه راحت و آسایش خود را فدا  
راحت و آسودگی شما کرده اند همین پدران شما چقدر تحمل  
رنج و زحمت کرده اند تاشما بزرگ شده اید و بعد از این هم  
چقدر باید زحمت بکند، نه غصه بخورند تحمل رنج و محنت کنند  
تاشما بشمر بر سید در این صورت شما چقدر باید منون و شاکر  
زحمات آنها بآشید و چقدر باید آنها را درست راشته باشید  
وتاچه اندازه آنها را احترام و رعایت کنید این امر خدا است  
این حکم حضرت بهاء اللہ است این وظیفه هر انسان با خدا است  
و بادیانت است وای بحال فرزند یکه پدر و مادر را اولد لتنگ  
وناراضی باشند وای بحال اولاد یکه پدر و مادر را ایشان  
رنجیده خاطرگردند وای بحال اطفال یکه پدران و مادران شان  
را احترام نکنند خدا و خلق از چنین اولادی ناراضی هستند  
و هرگز آنها در دنیاروی خوشی و آسایش نخواهند دید  
و همیشه بد بخت خواهند بود شما اطفال عزیزان نصیحت  
حضرت بهاء اللہ را بگوش جان بشنوید و همیشه در خاطر  
نگه دارید که میفرماید "اَنَا كَتَبْنَا لِكُلِّ اَبْنٍ خَدْمَةً اَبَيْهِ".

اگر میخواهید در نیاخوشبخت و در آخرت سعادتمند باشید  
پدر و مادرتان را احترام و خدمت کنید اگر مادر را شخصی  
ناراضی باشد و قلب پدر ازا و بر نجد غصب خدا برآنشخص  
نازد میشود شما اطفال عزیز خیلی خیلی باین موضوع اهمیت  
بدارد طفل بهائی همیشه باید سعی کند که پدر و مادر را زاو  
راضی باشند مادران بزیان و حرکات دیگر سبب کد ورت و —  
رنجش قلب مادر را در روید رشید چونکه این گناه در رگاه  
خدابسیار بزرگ است.

تبصره — آموزگاران محترم بپرسیله که بتوانند قلب اطفال  
را از محبت والدین مشحون و مطلو سازند زیرا این اساس  
سعادت آنهاست

### ۳— تنفس

۴— تکرار مناجات مبارک "ای خدا پر عطا ای ذوالعنن

۵— استحضار از حجه و رغیاب با گردان

۶— معاینه نظافت

۷— بیان ماحصل درس

۸— مناجات ختم

۹— سفارش آموزگار

روزنوزد هم

## موضوع اساسی - تکرار موارد روزهای ۱۲-۱۳-۱۷

جریان درس

## ١- مناجات شروع

#### ۲- تکرار موارد روزهای ۱۲-۱۳-۱۷-۱۹

٣ - تنفس

#### ۴- تکرار مناجات مبارک "ای خدای پر عطای زوالمن

#### ۵- استھنار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت

— مناجات ختم

- سفارش آموزگار

روزیستم

## موضوع اساسی - تعلیم مناجات

١٢٦

ریبی ریبی کودکم خردسال از هستان عنایت شیرده و دنر آفسو شن

محبّت پرورش بخش و در بستان هدایت تعسیلیم فرما و در ظل  
عنایت تربیت کن از تاریکی برہان شمع روشن کن واژه مردگش  
نجات را در هنگل لکش فرمابند آستان کن و خلق و خوی  
راستان بخش موهبت عالم انسانی کن و تاجی از حیات ابدیه  
بر سرناه توئی مقدار و توانا توئی شنونده و بینا

### جريان درس

- ۱- مناجات شروع
- ۲- تعلیم مناجات
- ۳- تنفس
- ۴- تعلیم مناجات
- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶- معاینه نظافت
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

### روزیست و یکم

موضوع اساسی - تکرار مناجات روزیست

### جريان درس

- ۱- مناجات شروع

۲- تکرار مناجات

۳- تنفس

۴- تکرار مناجات

۵- استحضار از حضور و غیابها گردن

۶- معاینه نظافت

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز بیست و دوم

محمد محمد محمد محمد

موضوع اساسی - نهی از آزار حیوان

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه زیر :

اطفال عزیز، سال قبل بشما گفته شد که یکی از دستورات

مبارک حضرت بهاء اللہ این است که حیوان را باید از بیت

و آزار کرد حتی نصیحت می فرمایند که بر حیوان بیش از توانائیش

بار نگذید و همچنین بشما گفته شد که حضرت نقطه اولی -

بیانی با این مضمون می فرمایند که اگر ر منزلی بر حیوانی مشقت وارد

آید آن حیوان از خداوند برای صاحبیش طلب عذر می کند

و نیز برای شما شرح را دهد که حضرت عبد البهاء می فرماید

حیوا پا انسان از حیث احساسات جسمانی فرقی ندارد یعنی همانطور که انسان احساس درد میکند احساس زحمت و مشقت مینماید حیوان هم احساس میکند اگر حیوانی را بزنند و یا از آن کشته و یا بیش از تواناییش برآورده باشند و یا اورا تشنه و گرسنه نگهداشته باشند " مثل انسان احساس درد میکند منتهی حیوان زبان بسته است نصیحتوارند شکوه و شکایت نماید ولی انسان زبان دارد آه و ناله میکند و شکایت نمینماید این است که میفرمایند : " خواه از آن کشته باشان کنی خواه از آن حیوان ابدآ " عرقی ندارد بلکه از آن بحیوان ضرورش بپیشتر است . "

حضرت عبد البهاء مارانصیحت میفرمایند که اگر حیوانی مریض است مادر رعلج او بکوشیم اگر گرسنه است با او خوار کهد هیچ اگر تشنگ است سیروابش کنیم اگر خسته است در راحتیش بکوشیم ولکن بحیوان موزی مثل گرگ خونخوار مثل مارگزند هم مثل سایر حیوانهای از آن کشته رحم نباید کرد چه که رحم بآنها ظلم باشان و حیوانات را گراست .

پس اطفال عزیز شخص بهائی باید بحیوانات مهربان باشد و هرگز آنها را از آن کشید اگر شما دیدید که یک کسی از بچه ها حیوانی را از آن کشید میکند باید اورانصیحت نمایید و اگر بتوانید اورا از آن کار منع کنید حیوانات را هرگز نزنید

وآنها را بزحمت نمیند ازید همینکه خواستید بحیوانی از آن  
کنید بیانات حضرت عبد البهاء<sup>ر</sup> را بیار بیاورید مصیحت های  
مارک را بخاطر آرید و بسیار بیاورید که حیوان مثل انسان  
احساس رود میکند و عیناً مثل ما از زحمت و مشقت در رونج است  
منتهی زیان شکوه و شکایت ندارد و فقط بانگاه های مظلومانه  
میتواند بما بفهماند که از دست ما شاکی است.

### ۳- تنفس

۴- تکرار مناجات روز بیستم

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معانیه نظافت

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات ختم

۹- سفارش آموزگار

### روز بیست و سوم

—————

موضوع اساسی - حضرت عبد البهاء<sup>ر</sup>

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه ذیل :

اطفال عزیز اسم مبارک حضرت عبد البهاء<sup>ر</sup> راشما همه

بارها شنیده اید و شما پل مبارکشان را مکرر زیارت کرده اید  
و بخوبی میدانید که ایشان بزرگترین فرزند حضرت بهاء اللہ  
میاشند که بعد از ظهور حضرت بهاء اللہ بهائیان دنیا  
در شرق و غرب عالم بمحبوب و صیانت مبارک آنحضرت یعنی  
روح مبارک (عمر) با ایشان توجه نموده دستور امبارکشان  
را بموقع عمل واجرامیگذشتند.

حضرت عبد البهاء پدر فقراء و بیجارگان ویتیمان و سیوه  
زنان بودند و همیشه با آنها محبت و مهربانی و کمک و مساعدت  
مینمودند حضرت عبد البهاء بادوست و دشمن یکسان  
معامله میفرمودند و بهم بد و تن تفاوت مرحمت را شنیدند  
کرم و عطای ایشان مشهور جهان بود یکی از نویسندگان  
غیری (بولانوفسکی) در کتاب خود مصطلح به (بهائیان)  
وقایع زیاری از حیات مبارک و مذل و بخشش و محبت و رافت.  
ایشان نقل نموده که یکی از آنها اینست:

ایا میکه حضرت بهاء اللہ و عائله و اتباع ایشان درینداد  
تشریف را شنید روزی حضرت عبد البهاء عباشی که تباره  
جهت ایشان تهیه شده بود بد و تن انداخته طرف حصر  
برای گردش بنخلستان بدداد تشریف فرمادند بعد از  
مراجعت اصحاب و احباب دیدند که عبا شهروشان نیست  
فهمیدند که بفقیری بخشیده اند از حضورشان شرح قضیه

راجویا شدند فرمودند وقتی که من در نخلستان گردش میکردم  
دیدم عربی پشت سرمن روان است و نگاهش را بعما درخته  
با حسرت با آن مینگرد ملاحظه کردم که در این موقع هم من در عذر ابرم  
و هم امن برای آنکه میدیدم در چشم حریصی بعیاد وخته شده  
واوجبهت اینکه بی اندازه آرزوی داشتن چنین عباشی  
راد اشست این بود که فوراً "ازدواش گرفت" ~~همبا~~ و خشیدم  
و هر دراحت شدیم. یکی از اشخاصیکه بحضور حضرت عبد البهاء  
تشریف حاصل کرده بود نقل مینمود که روزی من و جمهور  
در عگا در حضور مبارک شریف بودیم در اثنای صحبت شخصی  
بعنوان تگدی دم درایستاره حضرت مولی الوری با اوتوجهش  
فرموده از جای خود حركت کردند و با طلاق دیگر تشریف  
برند مراجعت فرموده و یک سکه طلا با عنایت کردند  
با آن که در جیب مبارک پول سیاه و سفید موجود  
بود پس از اینکه این شخص بادعا و شنا درور شد فرمودند  
این مرد درایا میکه مادر قشله محبوس بودیم زندانیان  
ما بود و سیار با مابد معامله میکرد حال باحتیاج  
وقر و فاقه افتخاره و وظیفه ما مراعات احوال اوست این بود  
رویه حضرت عبد البهاء نسبت بعموم مردم خواه درست  
خواه دشمن.  
تبصره — آموزگاران محترم هر قدر راجع بحضرت مولی —

الورى بيشرت بالاطفال معاوره نمایند و زیانی ساره عواطف  
قلبيه هیکل مباره را نسبت به حموم اینها انسان على الخصوص  
کودکان شرح دهنده بهمان اندازه بذر عبودیت محضه مرکز  
میثاق در مرزه قلب اطفال بهترخواهد روئید .

۳- تنفس

تکرار درس قبل

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات ختم

۹- سفارش آموزگار

روز بیست و چهارم

موضوع اساسی - تعلیم مناجات

جربیان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- تعلیم مناجات مبارک

اللهم إلهي توكلت عليك وفوضت أمرى إليك إنك أنت  
الفضل والكرم وأرحم الرأي حميد ع

- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
  - ۶- معاینه نظافت
  - ۷- مناجات ختم
  - ۸- سفارش آموزگار

روزیست وینج

*W. H. G.*

## موضوع اساسی - تکرار درس قبل

جریان درس

## ١- مناجات شروع

## ۲- تکرار صفات در س قبل

٣ - تنفس

#### ۴- تکرار مناجات درس قبل

##### ۵- استخمار از حضور و غیاب

۶- معانیه نظافت

٧ - مناجات ختم

سفارش آموزگار

### روزیست وششم

#### موضوع اساسی - حضرت ولی امرالله

جريان درس

##### ۱- مناجات شروع

##### ۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه زیل:

اول - حضرت عبد البهاء هشتاد سال در دنیا زندگی فرمودند  
 اوقات مبارک را شب و روز صرف تربیت وهدایت اهل عالم نمودند  
 و درین هشتاد سالگی به ملکوت ابیهی صعود فرمودند  
 دوم - به موجب وصیت نامه مبارک حضرت عبد البهاء که به  
 خط مبارکشان مرقوم فرموده اند بعد از صعودشان حضرت  
 شوقي ریا<sup>۱</sup> نی غصن ممتاز تزوّد آرشد حضرت عبد البهاء<sup>۲</sup>  
 ولی امرالله مقتدای اهل بهاء تعیین شدند و همه بهائیان  
 روی زمین ما<sup>۳</sup> موربه اطاعت ایشان گردیدند.

حضرت ولی امرالله مدت سی و شش سال عهد دار  
 اداره امور دنیا<sup>۴</sup> بهائی<sup>۵</sup> بودند و درین شصت و پنک  
 سالگی به عالم بالا صعود فرمودند. پس از حضرت  
 ولی امرالله<sup>۶</sup> امور جامعه بهائی به بیت العدل اعظم  
 سپرده شد.

ما باید کلیه اوامر و دستورات مبارک را مدد نظر داشته

ومورد عمل قرار دهیم تا در هر دو وجهان سعید و خوشبخت  
باشیم .

۳- تنفس

۴- تکرار مناجات روزه

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت

۷- بیان ماحصل درس

۸- مناجات ختم

۹- سفارش آموزگار

### روزیست و هفت

موضوع اساسی - تکرار درس قبل  
جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- تکرار مناجات روز ۴

۵- استحضار از حضور و غیاب

۶- معاينة نظافت

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

### روزیست و هشتم

تکرار دروس مهمه بنظر آموزگار

### روزیست و نهم

تکرار دروس مهمه بنظر آموزگار

## لغات کتاب سوم درس اخلاق

- ۱- تعلیم آموزش - بکسی چیزی آموختن  
 ۲- تعلم تحصیل علم - شاگردی کردن برای  
 ۳- نشی تحصیل علم  
 ۴- قاطع عین بیان - اصل گفتار  
 ۵- قصور بُرندہ - تغییرناپذیر  
 ۶- موهبت کوتاهی کردن - ( جمع قصر عمارت عالیه )  
 ۷- کبری بزرگ ( صفت موئّث )  
 ۸- محروم بی نصیب - بی بهره

## مقدمه مؤلف

- ۱- محاوره گفتگو  
 ۲- درک فهمیدن  
 ۳- قصص حکایات ( جمع قصه )  
 ۴- امثال ( جمع مثل ) حقایقی راکه در لباس افسانه  
 ۵- رایسات آنچه مردم میگویند  
 ۶- بیان گنند

|                                    |                                          |
|------------------------------------|------------------------------------------|
| ۶۔ مسائل مجرّدہ                    | مطالب عقلی - امور غیر مادی               |
| ۷۔ اعانت                           | کمک و مساعدت                             |
| ۸۔ حقایق                           | اصل مطالب                                |
| ۹۔ ابناء                           | زادگان - پسران - فرزندان                 |
| ۱۰۔ انجیل جلیل                     | کتاب شامل تاریخ حیات و تعالیٰ اسم        |
|                                    | حضرت صبیح                                |
| ۱۱۔ نظریہ                          | مثل - مانند - شبیه                       |
| ۱۲۔ آیہ                            | فقرہ ؓی از کلمات الہیہ                   |
| ۱۳۔ سماء                           | آسمان                                    |
| ۱۴۔ هشیّت                          | خواست خداوند - ارادہ الہی                |
| ۱۵۔ نازل                           | فروض آیندہ، چیزیکہ از بالا بیانیں بیا ید |
| ۱۶۔ پَرَسِبُ اللَّهُ أَلَا مَثَالُ | خداوند مثل میزند برای مردم               |
|                                    | شايد مردم مقنیه و بید ارشوند             |
| ۱۷۔ مَرْبُو اعظم                   | بزرگترین تربیت کنندگان                   |
| ۱۸۔ موعود ام                       | کسی کہ ھمہ امتحانات نظار                 |
|                                    | ظهور اور ارادہ ارند۔                     |
| ۱۹۔ چَلَ ذِكْرُهُ الْأَكْرَم       | نام گرامی او بزرگ بار                    |
| ۲۰۔ تبیین                          | تشریح و تفسیر کردن - بیان                |
|                                    | معنی مطالب                               |
| ۲۱۔ تشریح                          | آش ارکان مقصود                           |

|                                     |                             |
|-------------------------------------|-----------------------------|
| اینست گفتار او که بزرگواری او گرامی | ۲۲- قول معزَّ کِبْرِيَانُهُ |
| ساد                                 |                             |
| مردم نادان ( جمع جاهل )             | ۲۳- جهلاء                   |
| ادعا کردن - شخص بگوید که من         | ۲۴- دعوی                    |
| چنین و چنان هست م                   |                             |
| گرگ درنده                           | ۲۵- ذئب                     |
| گوسفندان                            | ۲۶- اغنام                   |
| تابندن - روشن                       | ۲۷- لَرِی                   |
| گمراه کردن                          | ۲۸- اضلال                   |
| شهر                                 | ۲۹- مدینه                   |
| شهرها - آبار یهای خانه ها           | ۳۰- دیوار                   |
| ( جمع دار )                         |                             |
| احترام داشتن - بلند نظر بودن        | ۳۱- عزت                     |
| تشبیه کردن چیزی را بچیزی برای       | ۳۲- تمثیل                   |
| شرح مطلبی                           |                             |
| مانند ساختن چیزی را بچیزی پکرای     | ۳۳- تشبیه                   |
| تشریح مطلبی                         |                             |
| مطلوبی را بکسی فهمانید ن            | ۳۴- تفهمیم                  |
| جمع کننده - بمقامی رسیده            | ۳۵- حائز                    |
| سرها ( جمع رأس )                    | ۳۶- رؤس                     |

|                                                       |                 |
|-------------------------------------------------------|-----------------|
| ازبرکردن — حفظ کردن                                   | ۳۷ — تحفیظ      |
| گفتگوی دو نفر با هم                                   | ۳۸ — مخاطبه     |
| اشکار                                                 | ۳۹ — بارز       |
| باریک — چیزی که فهم آن مشکل است                       | ۴۰ — دقیق       |
| ۱ — "طالعه دقیق" با کمال رقت و تفکر خواندن            |                 |
| نتیجه اخیری — آخرین نتیجه                             | ۴۲ — غایت قصوی  |
| دوران کودکی — کسی که از عمرش چند سالی پیش نگذشته باشد | ۴۳ — صفرسن      |
| قواهد و رسوم — رفتار وکردار                           | ۴۴ — آداب       |
| تریبیت شده                                            | ۴۵ — تأثیب      |
| آسمانی — روحانی                                       | ۴۶ — ملکوتی     |
| تریبیت یافته — آراسته                                 | ۴۷ — مخلق       |
| کردارهای پسندیده                                      | ۴۸ — صفات ریانی |
| آراسته                                                | ۴۹ — متصف       |
| مورد نظر — مقصود                                      | ۵۰ — مظظر       |
| در جلوچشم — در مقابل چشم                              | ۵۱ — مد نظر     |
| کوشش                                                  | ۵۲ — مجاهدت     |
| خرج کردن — بکار آنداختن                               | ۵۳ — مبذول      |
| چیزی که از بعد بیاید                                  | ۵۴ — لا حق      |
| عیوبها ( جمع ناقص )                                   | ۵۵ — نواضر      |
| ( جمع نقیمه ) نقش ها                                  | ۵۶ — نتائج      |

|                            |            |
|----------------------------|------------|
| سزاوار بودن و شایسته بودن  | ۱۲—لیاقت   |
| هوشیاری                    | ۱۳—زکاوت   |
| نوشته شده                  | ۱۴—مسطور   |
| مطلع بودن — باخبر بودن     | ۱۵—استحضار |
| مقابل چشم — آشکار          | ۱۶—معاینه  |
| خلاصه — نتیجه و خلاصه مطلب | ۱۷—مفار    |
| نتیجه و فایده اصلی         | ۱۸—ماحصل   |

### روزینجـم

|                                  |               |
|----------------------------------|---------------|
| دارای پیوند — نسبت داره شده      | ۱— منسوب      |
| سایه                             | ۲— ظل         |
| تماشائی نظر کنندہ                | ۳— ناظر       |
| سرگردان                          | ۴— حیران      |
| تربیت شده                        | ۵— اهلی       |
| محروم از تربیت                   | ۶— وحشی       |
| بالاخانه                         | ۷— غرفه       |
| گل مال کردن — مسدود کردن         | ۸— اندود کردن |
| ( جمع عضو ) آلت ها               | ۹— اعضاء      |
| پایه ها ( جمع رکن ) رست و یای بد | ۱۰— ارکان     |
| از جائی بجائی ریگرفتن            | ۱۱— کوچ کردن  |
| بناشدہ — قرار یافته              | ۱۲— مبنی      |

- ۱۳—تحقیقات علمیه درباره مسائل علمی گفتگوکردند
- ۱۴—مشاهدات دقیقه مطالب مشکل را فهمیدند و دیدند
- ۱۵—تعاون کمک و مساعدت
- ۱۶—تعاضد بازیوبازی هم دارند —کمک
- ۱۷—موثر رای اثر و نتیجه
- ۱۸—اعتناکردن توجه کردن
- ۱۹—استطلاع خبرگرفتن

### روزنامه

- ۱—خداوند عالمیان پروردگار جهانیان
- ۲—طبیب حازق پزشک ماهر در تشخیص امراض

### روزهفت

- ۱—غضب خشم
- ۲— مجرح زخم — زخم رار
- ۳—محزون اندوه هنگ
- ۴—مادر ام تا وقتیکه
- ۵—اندوه غصه و غم
- ۶—دنیا (صفت مؤنث) جهان جسمانی
- ۷—آخرت جهان رو�انی
- ۸—رستگار از گرفتاری خلاص شده

روزهشتم

- نبودن کسی - غایب بودن شخصی ۱ - غایب
- بدست آوردن اجازه ۲ - تحصیل اجازه
- خانه ( دوسرانه از شعر ) ۳ - بیت
- رارائی - آنچه متعلق بکسی است ۴ - اموال
- خرج کردن - تبدیل و تغییر دادن ۵ - تصرف کردن
- کارها - مطالب ۶ - امسور
- زارد در سیله شی شدن ۷ - مدخله کردن
- تیوگی - رنجش ۸ - کدورت
- خوبی - بهتراز . . . . ۹ - خیر
- بهره و صفت در کار ۱۰ - صلاح
- ترسانیدن از کاری ۱۱ - بر حذر داشتن
- وارد شدن ۱۲ - دخول

روزهشتم

- نیستنی ۱ - فنا
- آخر - انجام ۲ - نهایت
- قطره های کوچک ( جمع رشحه ) ۳ - رشحات

|                           |                     |
|---------------------------|---------------------|
| ابر                       | ۴- سَحَاب           |
| پخشش - عطا                | ۵- رَحْمَة          |
| ترنوتازگی - سرسیزی        | ۶- طِراوَت          |
| بلند شدن - روئیدن و نمودن | ۷- نَسْوَنَمَا      |
| نیکی کردن                 | ۸- احسان فرمودن     |
| باغها ( جمع حدیقه )       | ۹- حدائق            |
| ناریک و نرم بودن          | ۱۰- لطافت           |
| توجه و رسیدگی کردن        | ۱۱- عنایت کردن      |
| باغ                       | ۱۲- بُوستان         |
| دانستنیها - معلومات       | ۱۳- معارف           |
| ثمره - بَر - میوه         | ۱۴- بَار            |
| آسمان - گوشہ آسمان        | ۱۵- افق             |
| خوشبختی - مصروف بودن      | ۱۶- سعادت           |
| جاود انسی - همیشگی        | ۱۷- ابدی            |
| ستارگان                   | ۱۸- نجوم            |
| تابندۀ                    | ۱۹- ساطعُ الْأَنوار |
| محفل - مجلس               | ۲۰- انجمان          |
| مرغ شکاری است             | ۲۱- شهباز           |
| بالا - فضا                | ۲۲- اوج             |
| شناسائی                   | ۲۳- عرفان           |

۲۴- بگدازی ( گداختن ) آب شدن

از پت دیدن

ضرر

۲۵- زیان

بیار خدابودن بدل وزیان

۲۶- ذکر خدا

رُوز یازد هم

خوی - عادت - رفتار

۱- شائ

جنگ و کشمکش

۲- جداول

جنگ و سطیز

۳- نساع

زمیس

۴- ارنی

دارای اشتیاز - بهتر از دیگران

۵- معتاز

- ۶

روزد و ازد هم

۱- کُونُوا عنصر اللطافة باشید اصل پاکیزگی در میان

مردمان

بین البریه

اشکردن

۲- تأثیر

امور مربوط با خلاق و فضائل

۳- روحانیات

اصل و حقیقت پاکیزگی

۴- جوهر لطافت

|         |         |                  |
|---------|---------|------------------|
| خوشبو   | پاکیزه  | ۵- طیب           |
|         | پاکیزه  | ۶- طاهر          |
| بوی خوش |         | ۷- نفحه          |
|         | بوکشیدن | ۸- استشمام نمودن |

روزسیزد هم

|                                 |           |
|---------------------------------|-----------|
| خد اوند یکه بیندگان خود نعمت    | ۱- ذوالعن |
| وبخشش فرموده                    |           |
| مطلع آگاه                       | ۲- واقف   |
| امورینهان                       | ۳- آسرار  |
| همدم                            | ۴- مونس   |
| محل تابش - جایگاه - بیرون آمدن  | ۵- مطلع   |
| نامیدی                          | ۶- حرمان  |
| دارای راز - رازدار - نزد پکترین | ۷- حکوم   |
| اشخاص بانسان                    |           |
| گداخته، تفتنه                   | ۸- بریان  |
| توانا                           | ۹- تقدیر  |
| چراغ                            | ۱۰- مصباح |
| تابنده - پرنیز                  | ۱۱- منیر  |

نیستی ۱۲ - عدم

نگریستن - نگاه کن ۱۳ - بنگر

صاحب بخشش ۱۴ - ذوالعطای

جود و بخشش ۱۵ - کرم

### روزشانزدهم

پوشیده وینها ۱ - مستور

خطآشکارکه بخوبی خوانده شود ۲ - خط جلی

نوشته شده ۳ - مسطور

چیزی که همه مرد آنرا بد انند ۴ - شهرور

خبرد اشته باشند . ۵ - خشیة الله

ترس از خدا ۶ - مستولی  
غالب، مسلط

مطلوب مشکل- چیزیکه فهمید ن ۷ - نکتهُ دقیقه

آن مشکل است ۸ - مرکوزه هن

در حافظه جا ای گرفته بطوریکه ۹ - مستحکم

هیچوقت فراموش نشود ۱۰ - استوار

متین و سخت بنیاد ۱۱ - اساس

محکم - متین - سخت بنیاد

باشه، پس

معتقد با حکام و قوانین خد اوند

۱۲ - ریاست

بود ن

۳- خد اوند جَلَ وَعَزَ خد ائیکه بزرگ و عزیزاست

تماشاگنده — پیشنهاد

ناظم

روزه‌ی جدّه

www.oxfordjournals.org

درجه

۱- رتبه

ما واجب ساختیم بر هر فرزندی

— انا کتبنا لکل ابن

که پدرش را خدمت و اطاعت کند

خدا آیینه

## تّحه کون - کما - مساعدت

۳۰۰ - عایت

انتظار راشتن - حشم راشتن

二

زکر حمیہ

مخت

卷之三

gloss - 7

پایہ مُحکم اصلی

۷- اس اساس

روزبیست

卷之三

## طرز رفتار پندگان مقرّب خدا -

استان

نندگانی جاودا نی

۲- حیات ابد

روز بیست و دوم

|                       |          |
|-----------------------|----------|
| رنج و آزار            | ۱- عذاب  |
| ستم کشیده             | ۲- مظلوم |
| شکایت کننده           | ۳- شاکی  |
| شکایت کردن و دادخواهی | ۴- شِکوه |

روز بیست و سوم

|                             |                |
|-----------------------------|----------------|
| صورتیکه با قلم یا آلات ریگر | ۱- شمايل       |
| کشیده شود                   |                |
| ملاقات کردن - توجه کردن     | ۲- زيارت کردن  |
| وفات                        | ۳- صعود        |
| مانند هم - هيچيک برد يگري   | ۴- يكسان       |
| ترجيح ندارد                 |                |
| داد و ستد                   | ۵- معامله کردن |
| بخشن                        | ۶- كرم         |
| بخشن                        | ۷- عطا         |
| مهرانسی                     | ۸- رأفت        |
| بخشن                        | ۹- بذل         |

|                                                                  |                  |
|------------------------------------------------------------------|------------------|
| یاران - همراهان                                                  | ۱۰ - اصحاب       |
| دوسستان - مومنین با مریم مبارک                                   | ۱۱ - احباب       |
| آزمند                                                            | ۱۲ - حربیض       |
| بحضور مبارک وارد شدن                                             | ۱۳ - مشرف بودن   |
| درین - در میان                                                   | ۱۴ - اثنا        |
| گدائی کردن - دست پیش کسی                                         | ۱۵ - تگدی        |
| دراز کردن                                                        |                  |
| رو بطریق آوردن                                                   | ۱۶ - توجه کردن   |
| مدح - تعجیل - ستایش                                              | ۱۷ - اثنا        |
| سریا زخانه                                                       | ۱۸ - قشله        |
| بینوایی و تنگدستی                                                | ۱۹ - فقر و فاقه  |
| توجه کردن - کمک کردن                                             | ۲۰ - مراعات      |
| رفتار - طرز رفتار کسی                                            | ۲۱ - رویه        |
| مهریانی واقعی - احساسات                                          | ۲۲ - عواطف قلبیه |
| قلبی                                                             |                  |
| فرزندان                                                          | ۲۳ - ابناء       |
| هسته - تخم                                                       | ۲۴ - بذر         |
| بندگی بدون آلا پیش                                               | ۲۵ - عبودیت محضه |
| حضرت عبد البهاء (کسیکه به<br>جانشینی مظہر امرالله انتحاب<br>شود) | ۲۶ - مرکز میثاق  |

روزیست پنجم

۱- الٰهی الٰهی توکلت  
علیک وقوضت امری الٰیک  
انکَ انتَ الفَضَالُ الْكَرِيمُ

خدای من خدای من تویشتیانی  
من هستی و من کار خود م رابت و  
واکذَا شتم زیرا توئی بخشند و  
صاحب بخشش

روزیست وششم

- |                                  |               |
|----------------------------------|---------------|
| خرج کردن                         | ۱- صرف کردن   |
| راهنمائی کردن                    | ۲- هدایت      |
| عالم نورانی جاودانی              | ۳- ملکوت ابھی |
| حضرت شوقی ریاً نی                | ۴- غصن ممتاز  |
| شاخه از شجره الٰهیه که بعنايتیں  |               |
| خاص رارای امتیاز باشد            |               |
| فرزند بزرگتر                     | ۵- ارشد       |
| کسیکه مردم باید ازا و پیروی کنند | ۶- مقتدا      |
| ازته دل - از روی واقع            | ۷- صمیم قلب   |

- ۸- شهر مقدس صفت شهر حیفاست که پاکیزه و مبارک است
- ۹- ساکن کسیکه درجا شی زندگی میکند و سکونت دارد
- ۱۰- اعمال کارها - کردارها ( جمع عمل )
- ۱۱- آرواح حنا الظائف جانهای مادر راه مهر بانیهای او فدا بار
- ۱۲- اوان زمان - دوران - آغاز
- ۱۳- طفو لیت بچگی
- ۱۴- نکته دقیقه مطلوبی که فهم آن مشکل باشد
- ۱۵- شمر میوه - بر - بار
- ۱۶- بشمر آمدن میوه را درن
- ۱۷- حراست نگاه داری - پاسبانی
- ۱۸- استجاوز از راه راست منحرف شدن - ناز قانون مخالف کردن
- ۱۹- نالائق کسیکه سزاوار مقامی نیست
- ۲۰- انحراف از راست کج شدن